



Vol. 11 | Issue. 42 | 2024 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.499983.1391>

## Formulation of Revolutionary Women’s Self-Image

Zahra Davarpanah

Ph.D. in Philosophy, University of Isfahan; Faculty Member, Women’s & Family Research Institute, Qom, Iran.

[davarpanah@wrfc.ac.ir](mailto:davarpanah@wrfc.ac.ir)

Mohammad Ali Sadeghzadeh

Ph.D. in Political Science and Lecturer at the University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

[tm.sadeghzadeh@yahoo.com](mailto:tm.sadeghzadeh@yahoo.com)

Article Info	Abstract
<p><b>Article Type:</b> Research Article</p> <p><b>Received:</b> 2024 /11 /18</p> <p><b>Revised:</b> 2024 /12 /05</p> <p><b>Accepted:</b> 2024 /12 /30</p> <p><b>Published Online:</b> 2025 /01 /19</p>	<p>Numerous studies have addressed the presence of women in the Islamic Revolution from various angles; however, less attention has been paid to how these women perceive and narrate their own actions — in other words, their self-image. This article seeks to answer the question: How did religious revolutionary women perceive their active engagement with the Islamic Revolution? Using qualitative content analysis &amp; drawing on oral histories based on the memoirs of revolutionary women, the study explores this question.</p> <p>The findings show that revolutionary women, as conscious agents, did not see political action as a «right» but as a religious duty. Accordingly, their social &amp; political activities are interpreted as an extension of their religious beliefs and a means of spiritual proximity to God. In their narratives, there is no emphasis on gender, age, or class boundaries. Rather, duty-oriented thinking, a non-rigid &amp; adaptive approach based on contextual understanding, transcending borders, &amp; spiritual depth were identity-building components in their activism during the revolution.</p> <p>This composition of categories—responsibility-centeredness, meaning-orientation, and a rejection of modern rights-based and appearance-focused perspectives—led to diverse and enduring forms of activism, independent of pre-existing structures and opportunities, shaping the self-image of revolutionary women. Other findings include themes such as community building, creative and open interaction with the Supreme Leader of the Revolution, a post-gender perspective, &amp; an anti-colonial understanding of hijab. Nonetheless, due to their disinterest in narrating their own stories, these women remain largely absent from the political imagination &amp; representation of Iranian women.</p> <p><b>Keywords:</b> Self-image, revolutionary women, religious duty, meaning-orientation, boundarylessness.</p>



دوره ۱۱ | شماره ۴۲ | زمستان ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.499983.1391>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

## صورت‌بندی خودانگاره زنان انقلابی

زهرا داورپناه

دکترای فلسفه دانشگاه اصفهان، عضو هیأت علمی پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران.

[davarpanah@wrfc.ac.ir](mailto:davarpanah@wrfc.ac.ir)

محمدعلی صادق‌زاده

دکترای تخصصی علوم سیاسی و مدرس دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

[tm.sadeghzadeh@yahoo.com](mailto:tm.sadeghzadeh@yahoo.com)

چکیده	اطلاعات مقاله
درباره حضور زنان در انقلاب اسلامی، پژوهش‌های بسیاری از زوایای متنوع انجام شده است؛ ولی روایت و دریافت آن‌ها از فعالیت خود و پژوهش درباره این خودانگاره، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که خودانگاره زنان متدین انقلابی در مواجهه فعال با پدیده انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟ در این راستا با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی و با بهره‌گیری از تاریخ شفاهی نگارش یافته از خاطرات زنان انقلابی، این مسئله بررسی شد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که زنان انقلابی به‌عنوان فاعل شناسا، اقدامات سیاسی را نه به‌مثابه «حق»، بلکه «تکلیفی دینی» می‌پنداشتند؛ از این رو فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آنان در امتداد باورهای دینی و تقرب الهی، تفسیر می‌شود. همچنین در بررسی سخنان آن‌ها، نه مرز جنسیتی وجود دارد و نه مرز سنی و نه مرز طبقاتی، بلکه اصل تکلیف‌مداری، ماهیت غیرمتصلب و انعطاف‌پذیر در مقتضیات شناختی، کنش‌های فرامرزی و باطن‌گرایی، مقوم‌های هویتی و زنجیره هم‌ارزی‌کنشگری فعال آن‌ها در مواجهه با پدیده انقلاب اسلامی بوده است. پس ترکیب مقولات با اعتنائی، تکلیف‌محوری و معناگرایی - در مقابل نگاه حق‌مدرن و ظاهرگرایانه - منجر به تنوع و تداوم فعالیت‌ها، فارغ از ساختارها و امکان‌های از قبل موجود، در صورت‌بندی خودانگاره زنان انقلابی شده است. همچنین یافته‌های دیگر شامل مقولات اجتماع‌سازی، تعامل خلاقانه و انتفاحی با ولی و رهبر انقلاب، نگرش فراجنسیتی و دریافت ضداستعماری از حجاب است. در عین حال به سبب بی‌علاقگی ایشان به روایت خود، همچنان جایشان در روایت و تخیل سیاسی زن ایرانی خالی است.	<p><b>نوع مقاله: پژوهشی</b></p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۳/۰۸/۲۸</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۳/۰۹/۱۵</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۳/۱۰/۱۰</p> <p><b>انتشار آنلاین:</b> ۱۴۰۳/۱۰/۳۰</p> <p><b>صفحات:</b> ۲۱-۴۴</p>

**کلیدواژه‌ها:** خودانگاره، زنان انقلابی، تکلیف دینی، معناگرایی، بی‌مرزی.

## مقدمه

پاسخ به این پرسش‌ها در تحقیقی با ماهیت تاریخی و البته کاربردی و در چهارچوب مدل مختصر، ابعاد مسئله‌گی حجاب در جمهوری اسلامی و مقاطع ادواری پشت سر گذاشت مسئله زنان در برهه‌های مختلف تاریخ تحولات ایران، در اشکال و ابعاد گوناگون نمایان شده است. در زمان انقلاب اسلامی، جریان فمینیسم که در سطح بین‌الملل رونق گرفته بود؛ توانست در سطح سازمان ملل نیز ورود کند. این رونق جهانی و قوت‌یابی جریان فمینیستی که کم‌کم داشت در اسناد بین‌المللی و امرونهی‌های حقوقی به کشورها ظهور می‌یافت، بر روی برخی از زنان طبقات ثروتمند در ایران نیز تا حدی تأثیر داشت (ر.ک. به: تاریخ شفاهی پهلوی دوم در دانشگاه هاروارد، مصاحبه مهناز افخمی)؛ ولی سال‌ها قبل از این تحولات و از زمان رضاخان، پروژه ظاهرگرایانه و غیر اصیلی برای مدرن سازی جامعه ایرانی به‌طور کلی و از جمله در بحث زنان آغاز شده بود.

درواقع دوره پهلوی اول، دوره ایجاد ملت-دولت مدرن بر اساس آموزه‌های ناسیونالیستی است که قبلاً در عصر مشروطه مطرح شده بودند. ولی اینک، این تفکرات نوظهورانه دیگر نه در تقابل با استبداد حاکم، بلکه به‌عنوان ایدئولوژی حاکمیتی استفاده می‌شدند. درباره شخص رضاشاه و اقدامات مختلف او در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، از کشف حجاب و اسکان عشایر تا ترتیبات اداری مدرن و تأسیسات زیربنایی مثل راه‌آهن، نظرات متضاد تحسین‌آمیز و مخالف و منتقد وی تقریباً با هم برابری می‌کنند. به همین ترتیب سیاست‌های او در حوزه زنان در نگاه برخی افراد، مثبت و در نظر گروهی، شدیداً منفی ارزیابی می‌شود.

عمده‌ترین نقد که هم از سوی گروه‌های مذهبی و هم برخی دیگر از فعالان مباحث زنان به رضاخان مطرح است، کشف حجاب اجباری و تأثیر آن در ایجاد شکاف میان زنان است؛ زیرا از جمله عوارض این سیاست‌ها، خانه‌نشین شدن بسیاری از زنان مذهبی و لذا عدم دسترسی آن‌ها به تعلیم و تربیت و مدارس جدید شد (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۵). البته بررسی قانون‌گذاری در دوران سلطنت رضاشاه پهلوی نشان می‌دهد که زنان در قلمروی سیاست همچنان از حقوق انسانی خود بی‌بهره مانده‌اند و در طول هفت دوره مجلس ملی

که در این زمان برگزار شد، همچنان از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم بودند (ر.ک. به: شفیعی، شیرخانی و ترابی، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۶).

بنابراین اقدامات رضاخان از جانب مدافعان و از سوی مخالفان، حاوی اعمال متناقضی بود. محرومیت زنان از حق رأی در کنار کشف حجاب، حذف همه انجمن‌های زنانه و ایجاد انجمنی واحد، اصرار بر تعلیم و تربیت عمومی و ورود زنان به برخی عرصه‌های عمومی، به واقع متناقض هستند. یکی از راه‌های صورت‌بندی عملکرد وی، می‌تواند ایده «شهروند به‌مثابه سرباز» باشد که صادقی در کتاب جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران مطرح کرده است. به نظر ایشان و افرادی مثل نجم‌آبادی، حکومت ذاتاً نظامی رضاشاه، در پی آن بود که زنان نیز مثل مردان، مطیع، منظم و کارآمد باشند. او به دلیل الگوبرداری از جوامع سرمایه‌داری می‌خواست زنان وارد مدرسه، دانشگاه و سپس بازار کار شوند و با هدف متمدن‌سازی و بهینه و بهنجارسازی در پی اتحاد لباس و کشف حجاب بود.

هرچند کشف حجاب به صورت موارد کم شمار قبل از رضاخان در ایران رخ داده بود و گاه در جراید روشنفکری مورد بحث قرار می‌گرفت، ولی مشخصاً رضاخان از برنامه‌های اصلاحی امان‌الله‌خان در افغانستان و آتاتورک در ترکیه متأثر شد. به‌علاوه ابتکار خاص او بی‌حجابی «اجباری» (برخلاف ترکیه و افغانستان) بود. وضع جریمه و شدت عمل برای بی‌حجاب کردن زنان، الزام مقامات رسمی والا رتبه تا کارکنان دون‌پایه دولت مثل رفتگران به شرکت همراه زنان بی‌حجاب و گشودن اماکن عمومی مثل کافه‌ها و سینماها به روی زنان به ضرب جریمه سبب شد که این اقدامات بیش از آنکه رهایی‌بخش تلقی شوند، سرکوب زنان به نظر برسند (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۲).

این تصور با برخی موارد دیگر همچون عدم اعطای حق رأی به زنان و جلوگیری رژیم از اشتغال حرفه‌ای آن‌ها و جای خالی زنان تحصیل‌کرده در عرصه سیاست تقویت می‌شد. تصویر زن ایرانی در پایان تلاش‌های رضاخانی، زنی بی‌حجاب، درس‌خوانده و شاغل بود که با رضایت کامل به مردان مراقب و حامی‌اش تکیه می‌کرد.

البته عنصر مردانه و حامی، اینک دیگر به شبکه محارم و مردان خانواده محدود نمی‌شد. بلکه همکلاسی‌ها، معلم‌ها، همکاران و نهایتاً پدر ملت، یعنی رضاشاه و مردان سیاست را نیز دربر می‌گرفت. اینها همگی مردانی بودند که از زنان انتظار می‌رفت حمایت و هدایت از

سوی ایشان را بپذیرد. ترکیب عنصر سنتی فرودستی زنانه با تحصیل و بی‌حجابی به‌عنوان عناصر مدرن، در واقع منجر به گسست از هر دو و عدم رضایت اسلام‌گرایان و فمینیست‌ها می‌شد (Amin, 2002, p.247).

محمدرضا پهلوی در آغاز، سیاست متفاوتی دنبال نمی‌کرد، بلکه به‌طور مکانیکی تابع سیاست‌های پدرش بود. به‌تدریج و در ادامه می‌توانیم دورانی انتقالی را فرض کنیم که خصیصه آن تضعیف سیاست‌های رضاخانی بود. اتفاقات مذکور در این بازه زمانی ناشی از ضعف شخص شاه و اوضاع ناآرام کشور بود. این به معنای صرف‌نظر کردن شاه از آرزوی مدرنیزاسیون سریع و ظاهری پدرش نیست. با این حال او به زمان نیاز داشت تا ضمن تثبیت قدرت، مأموریتی برای خود تعریف کند و در آن مسیر گام بردارد. به این ترتیب در آغاز پادشاهی وی، در غیاب اقتدار و خشونت رضاخانی، عزم و فشار در اجرای سیاست‌های کشف حجاب اجباری کاهش یافت و بسیاری از زنان مخصوصاً در مناطق روستایی و شهرهای کوچک دوباره باحجاب شدند. در پی افزایش مشکلات ناشی از اشغال کشور توسط متفقین و تقویت مخالفان کشف حجاب و ضعف پادشاه جوان، سرانجام دولت در سال ۱۳۲۲ قید «اجباری» را از قانون «کشف حجاب اجباری» حذف کرد (زائری و یوسفی نژاد، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۴)؛ اما با افزایش ثبات و اقتدار شاه، کم‌کم شاهد عزم او بر تعمیق و تبدیل سیاست‌های رضاخانی در حوزه زنان به اقدامات نرم‌تر و فرهنگی‌تر؛ اما همه‌جانبه هستیم. از انقلاب سفید ۱۳۴۲ و اعطای حق رأی به زنان تا تشکیل سازمان‌های زنان، رواج گفتمان زیبایی غربی، مسابقات دختر شایسته، ارائه و تولید محتواهای صوتی و تصویری با مضامین غربی و احیاناً شهوانی و... نمود این دوره است. این تلاش‌ها نه تنها به گفته اندیشمندان انقلابی، بلکه به گفته بسیاری از اهل نظر، مخالف یا معارض با جمهوری اسلامی، دچار تناقضات داخلی و کژکار کردهایی بود که بخشی از اقبال زنان به انقلاب اسلامی را توضیح می‌دهد. زیرا زنان ایرانی با این فرایند که در دوران پهلوی دوم ادامه یافت، گرفتار دو راهی نخواستنی بودند: قطع تعلق از ریشه‌های دینی و فرهنگی خود و مدرن شدن یا محجبه و متشرع ماندن و محروم از تحصیل و اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی که هر دو نامناسب بود.

در این میان، دعوت احیاگونه امام خمینی مبنی بر اینکه امکان فعالیت اجتماعی و آزادی رشد برای زنان در خود اسلام تعبیه شده، مطرح شد. ایشان مداخله زن در امور سیاسی و

اجتماعی را از موارد مشارکت عامه دانسته و می‌گوید: «همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، سن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. سن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۴۰۳). بر این اساس می‌توان گفت اندیشهٔ امام خمینی، سهمی مهم در تعیین سوژه جنسیتی برساخته در گفتمان انقلاب اسلامی ایفاء نمود؛ سوژه‌ای که نه با مواضع مرسوم فقهای سنتی شباهت چندانی داشت و نه با مواضع مدرنیستی حکومت سابق (کریمی، نوابخش و ازکیا، ۱۳۹۷، ص. ۹۸).

کم‌کم این تفکر رواج می‌یافت که ما نیازمند احیای اسلام و ظرفیت‌های آن، به‌جای تن دادن به عرف‌های سرکوبگر زنان یا مدرن‌سازی‌های ظاهری و تبدیل زنان به ابژه جنسی هستیم. طرح این موج در کشور به رهبری امام و با پشتیبانی نظری در سطح متفکرانی چون مطهری، شریعتی و... باعث جلب کنشگری زنان متدین؛ اما فعال اجتماعی شد. چنانچه حضور زنان مذهبی در صحنه سیاسی، بخش تعیین‌کننده‌ای از جمعیت حامیان انقلاب اسلامی را تشکیل داد و پس از مدتی آنان به حاملان گفتمان انقلاب اسلامی در ابعاد ملی و بین‌المللی تبدیل شدند. بدین ترتیب، سه سطح تحولات بین‌الملل، ملی و گروهی در هم ضرب شد و انقلاب اسلامی را مؤید به حمایت زنان کرد و با همان حمایت، نه تنها به پیروزی رسید؛ بلکه در عین تعجب ناظران، قوانین اختلافی و جنسیتی اسلامی را هم احیا کرد. با وجود تنوع نظرات و جریان‌های درگیر مباحث زنان در ایران، گویی زنان انقلابی معتقد بودند و (تا حد زیادی همچنان) هستند که نگرش به زن در رهبران انقلاب اسلامی، امکان متفاوتی برای آنان فراهم آورده و نقطه بهینه‌ای برای رسیدگی هم‌زمان به همه نقش‌های زنانه و انسانی است. همین امکان، بعدها الگوی سوم نام گرفت و البته هنوز به تبیین و گسترش عملیاتی شدن نیازمند است. چنانچه رهبر معظم انقلاب در پیامی به کنگره «هفت هزار زن شهید کشور» گفت: زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به‌مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزار جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان

زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶). با وجود مطالعات فراوانی که درباره نسبت زنان و انقلاب اسلامی از نقطه نظرات مختلف در میان اندیشمندان داخلی و خارجی، انقلابی و ضدانقلاب و در رشته‌های مختلف صورت گرفته است، دریافت خود زنان انقلابی از کنش‌ها و عملکردشان کمتر مورد مطالعه بوده و غالب تحلیل‌ها از منظر تحلیل‌گر و دغدغه‌ها و علایق او انجام شده است. فقدان داده‌های مربوط به زنان انقلابی در واقع از این هم گسترده‌تر بوده و پس از گذر سال‌ها ثبت و ضبط خاطرات و تاریخ شفاهی ایشان به تازگی آغاز شده و البته در همین مدت هم به تولید محتوای ارزشمندی انجامیده است. جمع‌آوری این داده‌های خام و پس از آن پژوهش و تحلیل بر اساس آن‌ها می‌تواند زاویه بسیار مهم دیگری از زنان و انقلاب را به دانشوران معرفی کند که در آن، این بار خود زنان انقلابی به سخن می‌آیند و فهم پژوهشگر را از آنچه رخ داد، تدقیق و تصحیح می‌کنند.

در این راستا دغدغه اثر حاضر، بیان‌گر رابطه بین خودپنداره زن ایرانی مسلمان با کنشگری سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه انقلابی و پساانقلابی است. داده‌های خامی که اینک از حضور زنان در فرایند انقلاب اسلامی گردآوری شده است، به گونه‌های متفاوت و در دانش‌های مختلف قابلیت کدگذاری و تحلیل دارد و امید است با توجه بیشتر پژوهشگران به این داده‌ها، بتوان زوایای پنهان نقش‌آفرینی زنان در جریان انقلاب اسلامی و پس از آن تا عصر حاضر را دریافت و تبیین نمود. توجه به این صدای مغفول می‌تواند به درک بهتر عصر حاضر و برنامه‌ریزی صحیح‌تر در خصوص مسائل زنان یاری رساند.

به این ترتیب نوشته حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است: صورت‌بندی خودانگاره زنان انقلابی در خصوص فعالیت‌های «انقلابی‌شان» در دوران انقلاب اسلامی و پساانقلاب چگونه بوده است؟ منظور از فعالیت‌های انقلابی آن دسته از فعالیت‌هایی است که زنان برای پیروزی انقلاب یا پس از آن، برای تداوم و تقویت انقلاب اسلامی در موقعیت‌های مختلف انجام داده‌اند؛ از این‌رو فرضاً صرف فعالیت خیرخواهانه یا علمی یا اشتغالی که نسبت خاصی با انقلاب و امام خمینی و جنگ تحمیلی و مفاهیم مرتبط با آن نداشته و با

انگیزه‌های شخصی، خانوادگی یا... انجام شده، مدنظر این مقاله نیست. چنانکه در ادامه بیان خواهد شد، با بررسی سخنان این زنان، این نتیجه به دست می‌آید که در دریافت ایشان از فعالیت‌های انقلابی و حوزه‌های اثر خود، مرز جنسیتی، سنی و طبقاتی وجود ندارد؛ بلکه اصل تکلیف‌مداری، ماهیت غیرمتصلب و انعطاف‌پذیر در مقتضیات شناختی، کنش‌های فرامرزی و باطن‌گرایی، مقوم‌های زنجیره هم‌ارزی گفتمان آنان محسوب می‌گردد. لذا ترکیب مقولات بااعتنایی، تکلیف‌محوری و معناگرایی - در مقابل نگاه حق‌مدرن و ظاهر‌گرایانه - منجر به تنوع و تداوم فعالیت‌ها، فارغ از ساختارها و امکان‌های از قبل موجود، در صورت‌بندی خودانگاره زنان انقلابی شد. همچنین یافته‌های دیگر شامل: مقولات اجتماع‌سازی، تعامل خلاقانه و انفتاحی با ولی و رهبر انقلاب، نگرش فراجنسیتی و دریافت ضداستعماری از حجاب است.

### ۱. پیشینه پژوهش

حوزه مطالعاتی مربوط به زنان و انقلاب اسلامی تألیفات پرشماری از نویسندگان داخلی و خارجی وجود دارد و متأسفانه در سطح جهان، روایت معارضان جمهوری اسلامی، روایت معتبر و علمی تر تلقی می‌شود. بخشی از این موضوع به سوگیری‌های سیاسی و بخش دیگر آن، فقدان آثار عمیق و خلاقانه در این موضوع است که ضرورت توجه بیشتر دغدغه‌مندان به تألیف و فعالیت در بحث زن و انقلاب را روشن می‌سازد؛ اما اثر مستقلی در موضوع مقاله یعنی پژوهش درباره خودانگاره زنان انقلابی یافت نشد.

برخی از کتاب‌های مرتبط با بحث انقلاب اسلامی و زنان عبارتند از: نقش سیاسی - اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران (۱۳۸۶) نوشته شیرودی که به تلاش‌های سیاسی زنان از عصر قاجار تا دهه سوم انقلاب اسلامی می‌پردازد و بر حوادث تاریخی مهم مثلاً حادثه گریبایدوف، تأسیس بانک ملی و امثالهم تأکید دارد. جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب؛ از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷ (۱۳۸۴)، نوشته ساناساریان با ترجمه نوشین احمدی خراسانی که طبق عنوان خود به روایت جنبش حقوق زنان از زمان مشروطه تا انقلاب و به اصطلاح فعالیت‌های فمینیستی اولیه

می‌پردازد. زنان، مذهب و فرهنگ در ایران (۲۰۰۲)<sup>۱</sup>، مجموعه مقالاتی است که با تأکید بر این نکته جمع‌آوری شده‌اند که دین در ایران منبع قدرت و مایه فرودستی زنان است. به این ترتیب تعدادی از مقالات متمرکز بر بحث دین و فرهنگ است و تعدادی از آن‌ها به جوانب سیاسی این موضوع در دوره‌های زمانی مختلف از قبل انقلاب تا زمان معاصر می‌پردازند؛ از جمله از اسلامی‌سازی زنان تا فردی‌سازی ایشان بعد از انقلاب، سیاسی شدن حلقه‌های دینی زنانه پس از انقلاب، اجتماعات مکانی و اجتماعات زمانی: جهانی شدن و فمینیسم در ایران و... . کریستین ثریا بتمن قلیچی، استاد دانشگاه اسلو در کتاب خود (۲۰۲۱)<sup>۲</sup> به تحولات امر جنسی در ایران پس از انقلاب و وجوه مختلف آن از جمله جوانب سیاسی موضوع می‌پردازد. کتاب سیاست حقوق زنان در ایران (۲۰۰۹)<sup>۳</sup> به تبارشناسی، گفتمان و تطورات حقوق زنان در ایران اختصاص دارد. تراب در کتاب اجرای اسلام: جنسیت و مناسک در ایران (۲۰۰۷)<sup>۴</sup> بر مناسک زنان ایرانی در سال‌های پس از انقلاب متمرکز است؛ ولی پیش از ورود به این بحث و نیز ضمن آن، تحلیل مفصلی از معنای سیاسی جدایی جنسیتی و نسبت جنسیت با سایر مؤلفه‌ها در ایران پس از انقلاب ارائه می‌کند. صدقی در کتاب خود (۲۰۰۷)<sup>۵</sup> پس از تحلیلی کوتاه بر تحولات زنان در آغاز قرن بیستم، به مباحث دولت و جنسیت و مشخص حاکمیت و زنان، تقسیم کار جنسیتی و مقاومت‌های زنان پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. شهیدیان در کتاب زنان در ایران: سیاست جنسیتی در جمهوری اسلامی (۲۰۰۲)<sup>۶</sup>، به بحران جنسیتی قبل از انقلاب، جنسیت و انقلاب، بازگشت پدرسالاری، الهیات جنسیتی و تقابلات فضای عمومی و خصوصی در ایران بعد از انقلاب پرداخته شده است.

همچنین برخی مقالات منتشره در خصوص «زنان و انقلاب اسلامی» به این شرح است: افشار پور و همکاران در مقاله «تحلیل تطبیقی نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی ایران

1. *Women, Religion and culture in Iran.*
2. *Revolutionary Bodies: Technologies of gender, sex and self in contemporary Iran.*
3. *The Politics of Women's Rights in Iran.*
4. *Performing Islam: Gender and Ritual in Iran.*
5. *Woman and Politics in Iran, Veiling, unveiling and revealing.*
6. *Women in Iran: Gender Politics in the Islamic Republic.*

و مدل مردسالارانه انقلاب» (۱۴۰۱) در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش: نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی و مدل مردسالارانه انقلاب چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟ تفسیر مدل مردسالارانه انقلاب از نقش زنان با واقعیت نقش زنان در انقلاب اسلامی مهم‌ترین تفاوت این دیدگاه است و پررنگ بودن نقش تأثیرگذار زنان در انقلاب مهم‌ترین شباهت مدل مردسالارانه انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی است. حایک و همکاران در مقاله «تعارض میان هویت زنانه گفتمان‌های انقلاب اسلامی و نواندیشی دینی: مسئله یا جنبش اجتماعی؟» (۱۴۰۰) به نقش زمانمندی و تاریخ‌مندی به‌عنوان عنصر تعیین‌کننده در پیدایش گفتمان‌های نوین اشاره می‌نماید. تعارض هویت زنانه گفتمان‌های انقلاب اسلامی و نواندیشی دینی هویت زنانه جدید، در مسیر تبدیل شدن به یک جنبش اجتماعی ارزیابی می‌گردد. شفیع‌ی و همکاران در مقاله «انقلاب اسلامی، مردم‌سالاری دینی و مشارکت سیاسی زنان» (۱۴۰۰) به بررسی نقش آموزه‌های انقلاب اسلامی بر استقلال‌طلبی، ظلم‌ستیزی، عدالت اجتماعی و عدالت جنسیتی پرداخته است. این مفاهیم در مشارکت تجهیزاتی زنان نقش اساسی داشته است؛ اما همچنان ساختار و بافت سنتی متأثر از فرهنگ سیاسی جامعه ایران نقش زنان را محدود می‌نماید. داور پناه در مقاله «فمینیسم لیبرال و حقوق دینی زنان مسلمان: مناسبات سیاست، جنسیت و دین» (۱۳۹۹)، به بررسی تعارضات و چالش‌های نظریه سیاسی فمینیسم به‌ویژه گرایش لیبرالی درباره حق دین‌داری زنان پرداخته است که زنان دین‌دار را خالی از آزادی، عاملیت، عدالت و حقوق اساسی و برابری معرفی می‌کند؛ اما با افزایش فعالیت زنان مسلمان در بازنمایی خود و تجاربشان این قرائت مورد تردید قرار گرفت. شفیع‌ی و حسینی فر در مقاله «مشارکت سیاسی زنان در انقلاب اسلامی؛ تحلیل نشانه شناختی پوسترهای انقلاب» (۱۳۹۹) به شناسایی ابعاد سیاسی، اجتماعی کنشگری زنان در تغییرات اجتماعی ایران معاصر در پوستر سیاسی انقلاب پرداخته است که چگونه زن مسلمان مبارز در فضای انقلابی ذیل مواضع حمایت‌گرانه رهبر انقلاب، فارغ از کلیشه‌های جنسیتی، مجال فرصت سیاسی یافته است. عظیمی دولت‌آبادی و علی‌پور در مقاله «تحلیل جایگاه زنان در خرده گفتمان‌های انقلاب اسلامی» (۱۳۹۸) با تکیه بر نظریه گفتمان لاکلا و موفه به بررسی هویت زنان در خرده گفتمان‌های دولت‌سازندگی، اصلاحات، اصول‌گرایی رادیکال و اعتدال بر اساس سخنرانی‌های برگزیدگان سیاسی می‌پردازد که در هر دولت بر اساس نشانگان معنایی

و زبان‌شناسی اجتماعی توصیف می‌شود. کریمی و همکاران در مقاله «بررسی سوژگی زنان در شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی» (۱۳۹۷) به بررسی نقش زنان در حدوث گفتمان انقلاب اسلامی در جایگاه سوژه‌ای نقش آفرین و خلاق پرداخته است که از وضعیت موجود و ارزش‌های حاکم بر آن دوری جستند و با بازاندیشی و بازنگری در گفتمان سنتی و مدرن، به دنبال استقرار فضایی آرمانی در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی بودند. وجه تمایز این پژوهش در این است که این پژوهش با موضوع بدیع و نوآورانه به «صورت‌بندی دریافت زنان انقلابی از فعالیت خود» پرداخته است.

## ۲. روش پژوهش

این پژوهش بر مبنای پارادایم کیفی<sup>۱</sup> و با استفاده از روش تحقیق تحلیل محتوا<sup>۲</sup> صورت گرفته است. به‌طور کلی تحقیق کیفی با داده‌هایی سروکار دارد که واقعیت‌های مورد مطالعه را به صورت کلامی، تصویری و امثال آن نمایان کرده و مورد تحلیل قرار می‌دهد. این نوع تحقیق بر معنایی که افراد ذی‌ربط از پدیده مورد مطالعه در ذهن دارند، تأکید دارد (ر.ک. عبدالحانی، ۱۳۹۴، ص. ۸۲). تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست که به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی، تفسیر کنند (خادمی و تقی‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۴). بدین ترتیب، در این پژوهش تلاش می‌شود تا به روش امیک<sup>۳</sup> (نگاه از درون) به کشف و درک چگونگی تفکر، بینش، گرایش و کنش زنان انقلابی در مواجهه با شرایط محیطی و جهان پیرامون پرداخته و توصیف و تبیین نماید که کدهای رفتاری آن‌ها چه معنایی برای آن‌ها دارد؛ بر این اساس توسعه رفتارهای زبانی را می‌توان با توصیف هر رفتار اجتماعی انسانی تطبیق داد که بر ساخت گفتمانی و بازنمایی از تولید روایت در میان گزاره‌های عینی و ذهنی است.

1. Qualitative paradigm
2. Content analysis
3. Emic

در این مقاله تلاش می‌شود از منظر تاریخ اجتماعی با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته و کتاب‌های نگارش یافته از خاطرات زنان انقلابی که در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حضوری فعال و مؤثر داشته‌اند، هر مقوله با مصادیقی که به آن تعلق دارد مشخص و بررسی گردد.

### ۳. چهارچوب نظری پژوهش

با توجه به آنچه بیان شد، مفاهیم و چهارچوب تحلیلی «کارگزار مستقل فعال» برای تحلیل صورت‌بندی خودانگاره زنان انقلابی مناسب به نظر می‌رسد. در این چهارچوب، شناخت محیط ذهنی - ادراکی زنان انقلابی که متأثر از عوامل متعدد و چندگانه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است؛ آنان را منشأ فعل در الگوریتم‌های منظم، انعطاف‌پذیر و توسعه‌گرا به‌عنوان کنشگران فعال و تعلق‌مند در گفتمان انقلاب اسلامی و تحولات تاریخ معاصر ایران قرار داد. اراده‌گرایی<sup>۱</sup> و محوریت کارگزار بر مبنایی فردگرایی روش‌شناختی<sup>۲</sup> استوار است که بر مقاصد و منافع فرد در اقدام به یک عمل اجتماعی ارزیابی و پیش‌بینی می‌کند و بر روی کارگزار به‌عنوان عامل و علت اصلی پدیده‌ها متمرکز می‌شود.

الگوی تبیینی انتخاب عقلایی یک اصل محوری دارد که رفتار آدمیان هدفمند و سنجیده است و حوادث اجتماعی، حاصل جمع اعمال افراد بسیاری است که بر اساس محاسبات عقلانی عمل می‌کنند (حقیقت، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۰). در مفهومی کردن کارگزار می‌توان سه ویژگی، آگاهی<sup>۳</sup>، قدرت<sup>۴</sup> و انتخاب ارادی<sup>۵</sup> را نام برد. آگاهی و بینش دو ویژگی دیگر کارگزار، یعنی قدرت و انتخاب را امکان‌پذیر می‌سازد. قدرت انتخاب کردن و قدرت اثرگذاری بر فرایندهای کنش اجتماعی نیازمند آگاهی و بینش از شرایط این‌گونه کنش است (ستوده آرانی، ۱۳۸۱، ص. ۲).

1. Voluntarism
2. Methodological Individualism
3. Consciousness
4. Power
5. Intentional Choice

بر این اساس، جامعه در تعامل هدفمند، مرکب از ساختار و کارگزار به ایجاد کنش اجتماعی در ابعاد شناختی و محیطی تصور می‌گردد و موجب تحول در الگوهای مشارکتی در حوزه نظر و عمل می‌شود. زنان مسلمان انقلابی در ایران به‌عنوان فاعل شناسا، با توجه به ارزش‌ها، اعتقادات و اهداف به‌صورت ارادی و نیت‌مند به بازنمایی پدیده‌های اجتماعی در معنای خاص اقدام می‌نمودند؛ به‌گونه‌ای که پدیده‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته، محصول افعال هدفمند آنان به‌عنوان متغیر مستقل از طریق کنش متقابل بر ساخت می‌گردد. چنانچه احساس تکلیف، سیاست در امتداد دیانت، تکثرگرایی و تنوع فعالیت‌ها در موقعیت‌های متفاوت و متغیر از ویژگی‌های خودانگاره زنان انقلابی بوده است.

اهمیت این چهارچوب نظری در آن است که در بسیاری از آثار مؤلفان فمینیست - یا اسلام‌ستیز - زنان انقلابی، موجوداتی فریب‌خورده و ساده‌لوح هستند که ابزار اندیشه پدرسالارانه در قالب اسلام سیاسی شدند. در موارد کمتر مغرضانه چنین روایت می‌شود که زنان پیش از انقلاب تا حدی آگاهی و هدف صحیحی داشتند؛ ولی پس از انقلاب توسط نیروهای قائل به پدرسالاری، سرکوب شدند و سال‌های پس از انقلاب گرفتار مشکلات ناشی از حاکمیت اسلامی، محجور و دربند حجاب بودند. زنان انقلابی به روایت این گروه بعد از انقلاب یا تسلیم سکوت و انفعال شد و یا به اشکالی محدود با نظام اسلامی مقابله کرد تا آرزوی رهایی زن ایرانی را محقق کند.

برای مثال صادقی می‌نویسد:

در مقطع زمانی منتهی به انقلاب ایران حتی در خانه‌های بسیاری از روحانیون و سنت‌گرایانی که بعداً در ساخته‌وپرداخته کردن گفتار اسلام‌گرا به‌عنوان سامانه قدرت پس از انقلاب نقش داشتند، بسیاری از زنان در فرایندهای انقلابی شرکت کردند؛ اما در هیچ‌یک از مصاحبه‌هایی که برای این پژوهش انجام شده، آن‌ها از همراهی با گفتار اسلام‌گرا یا تأثیر از مطهری... بر خود سخن نگفتند. در واقع بسیاری از آن‌ها معتقدند اسلام‌گرایی برای مثال آن‌گونه که در آرای مطهری نمود دارد، برای آن‌ها تا زمان انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ناشناخته بود... از این رو، بسیاری از زنانی که در انقلاب ایران مشارکت کرده بودند، با سیطره گفتار اسلام‌گرا به مخالفت برخاستند و... با استقرار اسلام‌گرایی، ورق برگشت. در یکی دو سال نخست پس از انقلاب حجاب تدریجاً اجباری شد و لایحه خانواده دوره

پهلوی که نسبتاً برابری طلبانه بود، ملغی شد؛ اما بسیاری از زنان به این اقدامات واکنش نشان دادند (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۷۵).

آصف بیات چنین می‌گوید: «زنان ایران که در انقلاب شرکت گسترده‌ای داشتند، پس از انقلاب با یک رژیم اسلامی خودکامه مواجه شدند که حجاب اجباری، جداسازی جنسیتی و سرکوب گسترده‌ای را بر آنها تحمیل کرد و قوانین پیش از انقلاب را که به نفع زنان بود، ملغی کرد» (بیات، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۵).

حال آنکه با مطالعه منصفانه خاطرات زنان فعال در عرصه انقلاب، همان‌طور که به تفصیل خواهیم گفت، شاهد ادراک دقیق و چندبعدی ایشان از ایده‌های انقلاب اسلامی هستیم و امتداد و گستره فعالیت‌های ایشان پس از انقلاب تردیدی در خودآگاهی کامل ایشان در ساحت نظر و در عرصه عمل، ادامه فعالیت و حتی تشدید حمایت آنان از حاکمیت اسلامی به‌جا نمی‌گذارد. هرچند ممکن است ایشان نیز در حوزه‌های مختلف نقدهایی داشته باشند که اتفاقاً برای اصلاح نسبت حاکمیت و زنان توجه به آن موارد اهمیت فراوانی دارد.

#### ۴. تحلیل و بررسی یافته‌ها

در این بخش، ضمن بیان محورهای مستخرج از مطالعه خاطرات شفاهی این بانوان، به توصیف و تحلیل آن می‌پردازیم.

##### ۴-۱. تعریف فعالیت سیاسی - انقلابی در امتداد دین‌داری

با وجود ادعای مکرر برخی نویسندگان، ادراک زنان انقلابی از مشارکت و فعالیت سیاسی خود، مخالف یا بی‌نسبت با دین نبود. در مقابل پیوند دین و امر سیاسی نزد آنان چنان پررنگ بود که اساساً باید ادبیاتی غیر از ادبیات سیاسی و بالأخص فمینیستی رایج درباره فعالیت سیاسی زنان ابداع کرد. زنان انقلابی در پی حق رأی، یا رهایی خلق و مفاهیم مشابه آن نبودند. دریافت ایشان از مبارزه با نظام طاغوت دقیقاً در ادبیات قرآنی آن و با کلیدواژه «تکلیف» فهم می‌شد. شاهد این مدعا نه‌تنها پیوند آشکار میان سه‌گانه زنان و انقلاب و مسجد، بلکه روایت خود ایشان است. مثلاً حسین زاده حلاج در خاطرات خود می‌گوید: «آقام خیلی عصبانی شده بود. می‌گفت: «امشب همه مسجدی‌ها می‌گفتند دخترهای شما بقیه

خانوم‌ها رو آورده بودن تظاهرات. اگر مأمورها بلایی سرتون می‌آوردند، من چه خاکی توی سرم می‌کردم؟» گفتم: شما صبر داشته باش آقا، ما هرچه امام می‌گه انجام می‌دیم. دستوره، به ما گفته‌اند برید ما هم رفتیم... واژه دستور و امام در این عبارت کاملاً گویا و واضح است. یا مثلاً همان بانوی انقلابی «خانم حسین‌زاده حلاج»، به فرزندش احسان می‌گفت: مامان تا بیست‌سالگی به ما می‌گفتی از خانه بیرون نرو. چطور راضی شدی بچه‌ها برند جبهه؟ می‌گفتم: تربیت شما به عهده من بود؛ اما وقتی اسلام به شما احتیاج داره، باید برید و دفاع کنید از دین (جعفری، ۱۳۹۹، صص. ۴۳، ۵۷-۵۶).

در کتاب *مادر ایران* (خاطرات خانم عصمت احمدیان) نیز این نکته روشن است: «آیت‌الله خزعلی در حسینیه اعظم تفسیر زیارت جامعه کبیره داشتند. شب‌ها در سکوت به حسینیه می‌رفتیم و دعای کمیل یا توسل می‌خواندیم. بعد از دعا تظاهرات از همان‌جا شروع می‌شد تا چهارراه نادری» (ماه پری، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۵).

#### ۲-۴. نگرش فرارونده و بی‌مرز

فهم فعالیت انقلابی به مثابه تکلیف دینی منجر به مؤلفه دومی می‌شود که ما آن را نگرش فرارونده و بی‌مرز می‌نامیم. توضیح آنکه در خاطرات این زنان، نه تنها مرزهای سنی، جنسیتی و شرایط دیگر مانع ادای تکلیف نیست، بلکه به ظرفیت‌هایی برای تنوع و انعطاف فعالیت انقلابی تبدیل می‌شود. در این راستا، حتی زن بودن، برخلاف گزارش دین‌ستیزان از نگاه مردم ایران به زنانگی، نه تنها محدودیت و نافی فعالیت نیست، بلکه خود نوعی ظرفیت و ابزار انجام تکلیف است. چنانچه حسین‌زاده حلاج در خاطرات خود می‌گوید: «اکثر اوقات بچه‌ها را با خودم تظاهرات می‌بردم... بچه‌های کوچک را نوبتی بغل می‌کردم. آن‌هایی که می‌توانستند راه بروند، پشت سرم راه می‌افتادند. بچه‌های بزرگ‌تر، کوچک‌ترها را ضبط‌وربط می‌کردند» (جعفری، ۱۳۹۹، ص. ۴۳).

طاهره غفوری، یکی از فعالان انقلاب، جنگ و تا حال حاضر می‌گوید: خانمی که او را از دست مأموران شاه فراری داده بود، چنین نصیحتش می‌کند: «دختر که نباید تنها بره این طرف و اون طرف. می‌گیرن خفه‌ات می‌کنن‌ها» (زارعی و حاجی حبیب‌زاده، ۱۴۰۱، ص. ۵۲).

در مقابل این نگاه، ننه خدیجه و ملاسکینه راهنمای او هستند که در راهپیمایی، وقتی

خانم غفوری به او می‌گوید: «این کارها، کار ما خانم‌ها نیست و باید برویم»، می‌گوید: «این‌ها مردن. برون جلو یا دو تا سیلی می‌خورن یا کشته می‌شن. ولی ما زنییم، فرق می‌کنه». ملاسکینه دقیقاً با استاد به «زن بودن و امکان‌های آن» همه را به ماندن و حتی مذاکره با نیروهای نظامی برای پیوستن به انقلاب دعوت می‌کند زارعی و حاجی حبیب زاده، ۱۴۰۱، ص. ۵۴).

### ۳-۴. عاملیت با اعتنا

مؤلفه نخست یعنی دریافت تکلیفی، تبعات بسیار دیگری نیز دارد. از جمله بازتعریف سایر مفاهیم و اساساً حیات و جامعه در نگاه زنان انقلاب است. زنان انقلابی به همه چیز توجه داشتند و دائم و به صورت پرشور و متنوع فعالیت می‌کردند؛ زیرا آنان کشور و جهان را عرصه ادای تکلیف می‌دیدند و از این رو نسبت به همه امور «اعتنا» و توجه کامل داشتند. مصادیق این مؤلفه، در سراسر خاطرات این بانوان غالب است که در اینجا به چند مورد بسنده می‌کنیم. چنانچه در کتاب گردان نانوایا: خاطرات شفاهی مردم خانوک از پشتیبانی دفاع مقدس آمده است: «وقتی کل زهرا آمد و ماجرای پخت نان با خانم‌های روستا را مطرح کرد قبول کردم. همان روزهای اول خانه‌ها را بین خودمان تقسیم کردیم. پانزده خانه در یک راسته پایین ده، مال من شد. راسته دیگر را کل زهرا مدیریت می‌کردند. پای هر تنور دو نفر کار می‌کردند» (ملکی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۵۳). «خبر خیاطی گوش به گوش بین خانم‌های روستا چرخید. تعدادی چرخ خیاطی ستاد پشتیبانی داده بود. هر کس هم که چرخ دستی در خانه داشت، آورد تکیه. خانم‌هایی که از خیاطی سررشته داشتند، جمع شدند و هر کس هر چه بلد بود، به بقیه دخترها آموزش می‌داد. ده بیست چرخ خیاطی در تکیه کنار هم چیده شده بود. دخترها داوطلب کار خیاطی بودند. توپ‌های پارچه را می‌آوردند و چند روز بعد، پیراهن و شلوارهای آماده کنار تکیه روی هم چیده می‌شد» (ملکی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۹۷).

نمونه دیگری از ترکیب پرشور و متنوع فعالیت‌ها در این خاطره ملحوظ است. چنانچه در خاطرات صارمی آمده است: «در خدمت نماز جمعه: پنجم مرداد سال ۱۳۵۸، هم‌زمان با تهران، اولین نماز جمعه تبریز به امامت آیت‌الله قاضی طباطبایی، در میدان راه‌آهن برگزار

شد. مشتاقانه خودم را به محل نماز جمعه رساندم. جمعیت زیادی آمده بود. به زور در نزدیکی هتل دریا جایی برای ایستادن پیدا کردم. مرد جوانی نزدیک آمد و گفت: «خواهر می‌توانید در مرتب کردن صف خانم‌ها کمک‌مان کنید؟» من هم که کشته‌مرده چنین کارهایی بودم با کمال میل قبول کردم» (مهدیزاد، ۱۳۹۸، ص. ۶۲).

ایشان بعدتر مشغول پرستاری از مجروحان جنگی می‌شود: «راستش حین تکمیل پرونده کنجکاو می‌شدم و درباره عملیات هم از رزمنده‌ها سؤال می‌کردم. اینکه عملیات چطور شد؟ به کجا رساندید و اطلاعاتی از این قبیل. البته مجاز نبودیم از مجروحان پرسیم؛ اما من می‌پرسیدم» (مهدیزاد، ۱۳۹۸، ص. ۶۷).

درعین حال این خاطرات را نیز نقل می‌کند: «در طول مدتی که در نهضت فعالیت می‌کردم، با مسجد محل نیز ارتباطم برقرار بود. در مسجد کلاس‌های روخوانی، تجوید و آموزش معنای قرآن برگزار می‌کردیم. آموزش‌ها از جزء سی قرآن کریم شروع می‌شد. به پیشنهاد اهالی قرار شد کلاس‌های خیاطی، بافتنی، امداد و آموزش نظامی نیز برای خانم‌ها برگزار شود. لباس‌های دوخته یا بافته‌شده توسط خانم‌ها در همین کلاس‌های آموزشی را می‌فرستادیم به جبهه. خودمان مشخص می‌کردیم از کدام لباس و چه سایزهایی را بدوزند» (مهدیزاد، ۱۳۹۸، ص. ۹۶).

#### ۴-۴. تکلیف‌گرایی در اندیشه و عمل

در خاطرات صارمی آمده است: «اواخر شهریور ۱۳۸۶... تصمیم گرفتم تنوعی در کارم بدهم... محله جدید از مناطق حاشیه‌نشین و محروم تبریز بود... یکی از کارهای مهم ما در این مدرسه رسیدگی به وضع این دانش‌آموزان بود» (مهدیزاد، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۳).

همچنین جعفری نیک در خاطرات خود از نهضت سوادآموزی از سفر به روستاهای مختلف می‌گوید که در این مسیر مادرش نیز بسیار با او همراهی نموده و اصلاً از نبود او گلایه نمی‌کرد. چیزی که برای مادر مهم بود اینکه ما در هر شرایطی خودمان را وقف کاری کنیم که مسئولیتش را قبول کرده‌ایم. حالا هرچقدر هم که من و خانواده‌ام برایش عزیز بودیم، احساسش مانع رفتنمان نمی‌شد. مادر در این زمینه از ما جلوتر بود. تمام مدتی که کلاس داشتیم، هیچ موقع دست از حمایت‌هایش نکشید؛ باوجوداینکه این حمایت

برایش خستگی هم داشت (استادی، ۱۴۰۰، ص. ۱۹۴).

چنانچه رهبر معظم انقلاب نقش زن مسلمان ایرانی در معرفی الگویی جدید از «زن» را تاریخ‌ساز خواندند و با اشاره به ظهور هزاران زن با روحیه کربلایی در صحنه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، خاطرنشان کرد: اقتدار و جذبه تازه‌ای به برکت خون این زنان مجاهد در عصر جدید، ظهور کرده است که دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان، اثرگذار خواهد شد (دفتر حفظ و نشر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶).

و در ادامه می‌گوید: در کشور ما در هیچ مقطعی از تاریخ، نه در گذشته، نه در دوران غربزدگی، این همه زن تحصیل‌کرده نداشتیم؛ این همه زن فعال در فعالیت‌های اجتماعی، در فعالیت‌های فرهنگی، در فعالیت‌های علمی نداشتیم؛ این همه بانوی مؤثر در سرنوشت اجتماعی نداشتیم؛ این همه بانوان دارای فهم سیاسی و تحلیل سیاسی نداشتیم؛ این همه نویسنده زن، مترجم زن، هنرمند زن، به معنای واقعی کلمه نداشتیم؛ همه این‌ها از برکت جمهوری اسلامی و از برکت نگاه اسلام به زن است که نگاه تکریم است (دفتر حفظ و نشر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵).

#### ۴-۵. تعهد و پذیرش فراگیر

احمدیان در خاطرات راهپیمایی‌های اهواز می‌گوید: «من از روی متن بیانیه‌ها برای کارگران حرف می‌زدم ... و در ادارات هم از کارمندان می‌خواستیم که ارباب رجوع را نپذیرند و کار را تعطیل کنند» (ماه‌پری، ۱۴۰۰، صص. ۱۲۴-۱۲۳). «از همان وقتی که امام تأکید کرد بازسازی را جزئی از جنگ بدانیم، به ذهنم رسید روزی در فاز دوی پاداد یک بیمارستان بسازم... من برای ساخت این درمانگاه خودم وردست بنا ایستادم به کارگری تا نیمه شب با بالابر، مصالح بالا کشیدم و هر روز صبح زود پی درست کردن ملات و گچ و جابه‌جایی آجر رفتم. اینجا به عده‌ای آدم بی‌بضاعت خدمات رایگان می‌داد» (ماه‌پری، ۱۴۰۰، صص. ۲۴۱-۲۴۰).

#### ۴-۶. ساختار ساز

ترکیب بااعتنایی و بی‌مرزی و نگرش فرارونده منجر به تنوع فعالیت‌ها و تداوم آن‌ها، فارغ

از ساختارها و شرایط عینی می‌شد. در این بخش می‌توانیم از مؤلفه «ساختارسازی» سخن بگوییم. این زنان که همواره بی‌قرار و در حال فعالیت بودند، هر جا که زمینه فعالیت نبود، هم می‌توانستند مبتکرانه و خلاقانه، خود زیرساخت‌ها و پیش‌شرط‌های فعالیتشان را ایجاد کنند. آنان معمولاً نه منتقد و نه مطالبه‌گر بودند، بلکه به دلیل تجربه انقلاب و ایجاد حرکتی بزرگ، با خوش‌بینی و گاه دست‌تنها به ایجاد ساختارهایی برای فعالیت و تکلیف مدنظرشان می‌پرداختند.

چنانچه در کتاب *مادر ایران آمده است*: «خانم احمدیان علی‌رغم برگزاری جلسات مذهبی و آموزش قرآن پررونق؛ احساس می‌کند کار او کافی نیست؛ زیرا مردم با پای خود به خانه او می‌آیند، لذا تصمیم جدیدی می‌گیرد که این چنین نقل می‌کند: باید راه می‌افتادم و برای آموزش کلام خدا خودم سراغ مردم می‌رفتم. جایی که قرآن در آن مهجور باشد. زندان همان‌جا بود. به زنان زندان در قدم اول، خواندن نماز را یاد دادم. بعضی حتی «بسم‌الله» گفتن را هم بلد نبودند» (ماه‌پری، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۶). پس از این، مسئولیت بازپروری و آموزش تعدادی از زنان بی‌سرپرست و حتی درگیر آسیب‌های اجتماعی به او سپرده می‌شود. او به این خدمات در زندان اکتفا نکرده و دائماً در پی حل سایر مسائلی بود که مشاهده می‌کرد. از جمله طرحی برای مادران زندانی که با این نامه دنبال می‌کرد:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

دادستان محترم دادگاه انقلاب، جناب آقای موحد سلام‌علیکم  
 این جانب عصمت احمدیان، با اجازه کتبی از ریاست محترم دادگستری کل استان خوزستان جناب آیت‌الله شفیعی، مشغول تدریس قرآن و آموزش نماز در زندان زنان می‌باشم. در این مدت به توفیق الهی این جانب موفق به کسب اعتماد و برقراری رابطه صمیمانه با این زنان سختی کشیده شده‌ام و در جریان بسیاری از مشکلات ایشان هستم. در میان سایر زنان زندان، مادران رنج‌دوری از فرزند را هم به دوش می‌کشند. این کودکان بی‌گناه که در میان آن‌ها نوزاد شیرخوار هم وجود دارد، در سنی هستند که به آغوش مادر نیاز دارند و اگر این نیاز برطرف نشود، صدمات روحی جبران‌ناپذیری به آن‌ها وارد شده، روشن نیست که چه آینده و سرنوشتی در انتظارشان باشد. لذا از جنابعالی صمیمانه استدعا دارم با ساخت یک واحد مهد کودک در محوطه زندان موافقت نمایید تا مادر و فرزند

ساعاتی از روز را در کنار یکدیگر سپری کنند؛ و من الله توفیق (ماه‌پری، ۱۴۰۰، صص. ۱۴۴-۱۴۵)

یا در جای دیگری پس از انحلال بیمارستان به دلیل اختلافات کادر پزشکی و عدم همکاری دانشگاه علوم پزشکی جهت ادامه کار می‌گوید:

شکست طرح بیمارستان باعث نشد ناامید شوم و دست روی دست بگذارم. دلم می‌خواست کاری بکنم که گرهی از خلق خدا باز کند و منشأ خیر باشد. با همین دغدغه بود که خانه‌ام را پایگاه کردم. پایگاه بسیج مسجد جوادالائمه (ع) میان خانم‌ها و آقایان مشترک بود. آقایان می‌گفتند که هنگام فعالیت در حضور خانم‌ها معذب هستند، وقتی فهمیدم قرار است بخش خانم‌ها منحل یا منتقل شود، به سپاه رفتم و درخواست دادم که پایگاه را به حسینیه خانه من منتقل کنند. بسیج اسماء تنها پایگاهی بود که بدحجاب‌ها و لاک‌زده‌ها را هم پذیرش می‌کرد. بارها با اعتراض سایر پایگاه‌ها روبه‌رو شدم و بارها از این کارم دفاع کردم (ماه‌پری، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۲)

### نتیجه‌گیری

چنانکه گذشت، در غیاب روایت خودی از زنان انقلابی، وجه غالب روایت زنان انقلابی ایرانی، در مجامع علمی، نه آن روایت عرفی داخلی که مثلاً در مناسبت‌های زنانه ملاحظه می‌کنیم، بلکه دوگونه به کلی مخالف با انقلاب و اسلام است:

الف) نگاهی که می‌توانیم آن را فمینیستی و شرق‌شناسانه بخوانیم. این نگرش مانند نگاه کیت میلت، فمینیستی که در اثنای انقلاب به ایران آمد و گزارش‌های منفی زیادی درباره زنان ایرانی بازتاب داد، از درک زن ایرانی عاجز است. لذا همواره با مفاهیم سرکوب، خودآگاهی کاذب، فریب‌پدرسالاری و امثال آن زنان ایرانی را می‌فهمد.

ب) روایت منصف‌تر از آن کسانی است که انقلاب ایران را صرفاً حرکتی ناسیونالیستی تصویر می‌کنند که به دلیل ذات مردانه آن، درنهایت به سرکوب زنان پرداخت.

این در حالی است که مطالعه خاطرات زنان انقلابی، به کلی باب دیگری بر ما می‌گشاید و در صورت پرداخت صحیح و بیشتر به آن می‌تواند نویدبخش مفاهیم و تعبیر نویی در مباحث سیاسی و مطالعات زنان نیز باشد. چنانکه در مباحث گذشته، تنها به تعداد شش

مضامین یا مؤلفه‌های موجود در خودانگاره زنان انقلابی اشاره شد، آن‌ها با درک دینی و معنوی، فعالیت سیاسی خود را یک تکلیف دینی می‌یافتند. از این رو، به جای دغدغه ظواهر و امکان‌ها، بی‌قرارانه و منعطف در هر موقعیتی دست به اقدام و عمل می‌زدند. آن‌ها تمام فعالیت‌های خود را پاسخ به ندای ولی و امام امت می‌دیدند و لذا در پی روایت آن یا محصور در چارچوب‌های رسمی و گزارش‌ها نبودند. در مقابل ولی جامعه، امام خمینی و بعدها مقام معظم رهبری نیز با باور این ایمان و اعتماد به زنان، به امر و نهی جزئی نمی‌پرداختند و همواره حامی اقسام فعالیت‌های زنان بودند. البته این نوشته تنها گامی آغازین در مطالعه روایت زنان انقلاب است و امید است پژوهشگران دغدغه‌مند دیگر نیز در این راستا گام بردارند.

## منابع

- استادی، مریم (۱۴۰۰). معلم حسابی: خاطرات شفاهی صدیقه جعفری نیک. تهران: ناشر راهیار.
- افشار پور، سهیلا، جلال پور، شیوا، عبدالحانی، لنا و شهابی، روح‌الله (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی ایران و مدل مردسالارانه انقلاب. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۵ (۹۶)، ۴۱-۸۴. [https://bsrq.cuir.ac.ir/issue\\_20648\\_22591.html](https://bsrq.cuir.ac.ir/issue_20648_22591.html)
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بیات، آصف (۱۳۹۰). *زندگی همچون سیاست: چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر می‌دهند*. ترجمه فاطمه صادقی، انتشارات دانشگاه آمستردام، نسخه الکترونیک.
- تاریخ شفاهی پهلوی دوم در دانشگاه هاروارد، مصاحبه با مهناز افخمی و حسین دهباشی - جعفری، فاطمه (۱۳۹۹). *عزیز خانوم، خاطرات کبری حسین‌زاده حلاج*. تهران: انتشارات راهیار.
- حایک، مریم، آقاحسینی، علیرضا و علی حسینی، علی (۱۴۰۰). تعارض میان هویت زنانه گفتمان‌های انقلاب اسلامی و نواندیشی دینی: مسئله یا جنبش اجتماعی؟ *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۴ (۶۴)، ۸۱-۱۱۴. <https://doi.org/10.22034/IPSA.2021.441>

- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۹). مسئله ساختار/کارگزار در علوم اجتماعی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۶ (۶۴ و ۶۵)، ۱۴۷-۱۶۶.

[https://method.rihu.ac.ir/article\\_395.html](https://method.rihu.ac.ir/article_395.html)

- خادمی، عاطفه و تقی زاده، فاطمه (۱۳۹۸). مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای). فصلنامه زن در توسعه و سیاست،

۱۷ (۲)، ۲۵۷-۲۷۷. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2019.276923.1007598>

- داور پناه، زهرا (۱۳۹۹). فمینیسم لیبرال و حقوق دینی زنان مسلمان: مناسبات سیاست، جنسیت و دین. فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست متعالیه، ۸ (۲۹)، ۳۱۸-۲۹۷.

<https://doi.org/10.22034/SM.2020.94664.1276>

- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (۱۳۹۱/۱۲/۱۶). پیام به کنگره «هفت هزار زن شهید کشور». <http://farsi.khamenei.ir>

- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (۱۳۹۹/۱۱/۱۵)

<http://farsi.khamenei.ir>

- زارعی، ستاره و حاجی حبیب زاده، مینا (۱۴۰۱). به توان شانه‌هایت: خاطرات شفاهی طاهره غفوری. تهران: انتشارات راهیار.

- زائری، قاسم و یوسفی نژاد، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی چگونگی تجدیدنظر در قانون کشف حجاب در مقطع ۱۳۲۰-۱۳۲۲ با تکیه بر مقاومت‌های فردی و نهادی. فصلنامه زن در توسعه

و سیاست، ۱۷ (۲)، ۱۷۳-۱۹۲. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2019.286142.1007691>

- ساناساریان، الیز (۱۳۸۴). جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب؛ از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: انتشارات اختران.

- ستوده آرانی، محمد (۱۳۸۱). رابطه ساختار - کارگزار: چارچوبی برای مطالعه تحول سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۶ (۱)، ۱-۳۲.

<https://www.noormags.ir/view/fa/creator/80179>

- شفیعی، سمیه سادات و حسینی فر، سیده زهرا (۱۳۹۹). مشارکت سیاسی زنان در انقلاب اسلامی؛ تحلیل نشانه شناختی پوستره‌های انقلاب، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۸ (۱۷)،

۱۴۳-۱۷۲. <https://doi.org/10.22070/IWS.2021.5203.1889>

- شفیع‌ی، مریم، شیرخانی، علی و ترابی، محمد (۱۴۰۰). انقلاب اسلامی، مردم‌سالاری دینی و مشارکت سیاسی زنان، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳ (۷)، ۱۰۱-۱۲۶.

[dor:20.1001.1.27835200.1400.2.3.5.0](https://doi.org/10.22070/IWS.2021.5203.1889)

- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۶). نقش سیاسی-اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران. قم: انتشارات زمزم هدایت.

- صادقی، فاطمه (۱۳۹۳). جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران، تهران: قصیده‌سرا. نسخه الکترونیک

- عبدالخانی، علی (۱۳۹۴). تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری در زمینه فتنه: یک مطالعه کیفی، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۴ (۷)، ۷۹-۱۱۸.

[dor:20.1001.1.23225645.1394.4.7.4.4](https://doi.org/10.22070/IWS.2021.5203.1889)

- عظیمی دولت‌آبادی، امیر و علی‌آباد، پروین (۱۳۹۸). تحلیل «جایگاه زنان» در خرده‌گفتمان‌های انقلاب اسلامی. فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۳ (۱)، ۴۱-۵۸.

<https://doi.org/10.30473/il.2019.47485.1277>

- کریمی، شهناز، نوابخش، مهرداد و ازکیا، مصطفی (۱۳۹۷). بررسی سوژگی زنان در شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی. سیاست پژوهی ایرانی، ۵ (۱۸)، ۸۷-۱۰۴.

<https://sanad.iau.ir/journal/se/Article/663891?jid=663891>

- ملکی، فاطمه، رحیمی، محمد مهدی و رهایی، محمدتقی (۱۴۰۱). گردان نانو‌ها: خاطرات شفاهی مردم خانوک از پشتیبانی دفاع مقدس. تهران: انتشارات راهیار.

- ماه‌پری، نورالهدی (۱۴۰۰). مادر ایران: خاطرات شفاهی عصمت‌احمدیان، تهران: انتشارات راهیار.

- مهدیزاد، هدا (۱۳۹۸). دختر تبریز - خاطرات صدیقه صارمی رزمنده مربی نهضت سوادآموزی و مربی پرورشی دهه ۶۰ تبریز - تاریخ شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی زنان انقلاب ۲. تهران: انتشارات راهیار.

- Amin, C. M. (2002). The Making of the Modern Iranian Woman Gender. *State Policy, and Popular Culture, 1865-1946*, University Press of Florida.

- Ansari, S. and Martin, V. (2002). *Women, Religion and culture in Iran*. Routledge.
- Batmanghelichi, K. S.(2021). *Revolutionary Bodies: Technologies of gender, sex and self in contemporary Iran*. Bloomsbury Academia.
- Osanloo, A. (2009). *The Politics of Women's Rights in Iran*. Princeton University.
- Sedghi, H. (2007). *Woman and Politics in Iran, Veiling, unveiling and reveiling*. Cambridge university press.
- Torab, A.(2007). *Performing Islam: Gender and Ritual in Iran*. Brill.
- Shahidian, H.(2002) *Women in Iran: Gender Politics in the Islamic Republic*, Greenwood Press.